

اثرات توسعه یافتگی بر جایگاه زنان در فرآیند توسعه روستایی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان کرمانشاه)

مسعود صفری علی اکبری*

استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران

DOI: [10.22077/vssd.2022.4888.1054](https://doi.org/10.22077/vssd.2022.4888.1054)

تاریخ دریافت:

۲۹ آبان ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۲۶ دی ۱۴۰۰

صفحات: ۸۰-۶۳



کلید واژگان:

توسعه یافتگی،

اشتغال، تأثیرات

اقتصادی - اجتماعی،

مشارکت زنان

روستایی

چکیده

توسعه روستایی مفهومی جامع و چند بعدی بوده که در برگیرنده رشد کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن (صنایع دستی و صنایع روستایی)، زیربنای اقتصادی اجتماعی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوطه و مهمتر از همه توسعه منابع انسانی در مناطق روستایی است. بدین ترتیب زنان روستایی با توجه به نقش و مسوولیت‌هایی که در محیط مزرعه و منزل دارند عهده دار وظایف تولیدی و خدماتی مختلفی می‌باشند که مسلماً نیل به توسعه روستایی بسیار موثر می‌باشد. در تحقیق حاضر به بررسی اثرات توسعه یافتگی بر جایگاه و نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی به صورت مطالعه موردی در روستاهای کرمانشاه پرداخته شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش پیمایشی است. جامعه آماری مشتمل بر ۸۱۳۴۵ نفر از زنان در مناطق روستایی شهرستان کرمانشاه بود که با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان تعداد ۳۸۲ نفر به عنوان نمونه تعیین و به طور تصادفی انتخاب شد. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود که روایی محتوایی آن توسط اساتید و متخصصین، بررسی و تأیید شد و جهت تعیین پایایی پرسشنامه نیز تعداد ۳۰ پرسشنامه توسط زنان روستایی در فرآیند پیش‌آزمون تکمیل و ضریب آلفای کرونباخ $\alpha = 0.88$ به طور میانگین برای بخش‌های مختلف پرسشنامه بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های آماری آنالیز واریانس دو طرفه و آزمون T-Test استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ توسعه روستایی اثر مثبت بر افزایش دسترسی به اعتبارات، مشارکت در کلاس‌های ترویجی و همچنین منجر به کاهش مشارکت زنان در فعالیت‌های دامی و فعالیت‌های کشاورزی خواهد داشت و همچنین توسعه روستایی بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری، مشارکت در تولید و فعالیت‌های خانگی بدون اثرگذاری است.

۱- مقدمه

امروزه توسعه روستایی، نقش مهمی می‌تواند در توسعه مناطق و همچنین توسعه ملی ایفاء نماید. به دلیل همین جایگاه و نقش آفرینی است که همواره در طول تاریخ، این سکونتگاه‌ها، محور توسعه بوده‌اند. روستاها به عنوان یکی از ارکان نظام سکونتگاهی سرزمین، دارای اهمیت بی‌بدیل (حجی پور و کریمی پور، ۱۳۹۹: ۸۸) و به عنوان یکی از پدیده‌های انسان ساخت (رومیانی و محمود، ۱۳۹۹: ۲۲)، دارای جایگاه ویژه‌ای در توسعه هستند. روستائیان بنیادی‌ترین افراد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور هستند به طوری که اجرای برنامه‌های توسعه برای آن‌ها نقش اساسی و پایه‌ای در فرآیند توسعه ملی دارد. بنابراین توسعه روستایی و کشاورزی، توسعه کلی یک کشور در همه ابعاد است (فرهادی، ۱۳۹۴: ۴۸). امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه بر هیچ کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر، تحقق این مهم در گرو توسعه منابع انسانی است. به عبارتی، متخصصان توسعه بر این باورند که مهم‌ترین بعد توسعه، بعد انسانی است که هدف آن محور قرار دادن انسان و مشارکت همه جانبه وی در تمامی فعالیت‌های توسعه می‌باشد. از طرفی هم، توسعه پایدار وقتی امکان‌پذیر است که مبنای آن توسعه انسانی باشد و حرکت محوری آن بر محوریت انسان قرار گیرد (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳). بنابراین، نه تنها رفع نیازهای اساسی از قبیل خوراک، اشتغال، بهداشت، مسکن و آموزش مهم است بلکه رعایت حقوق مردم و نیز مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی خانواده و اجتماعشان مؤثر است، به همان اندازه اهمیت دارد. بر همین اساس اولویت رشد و توسعه منابع انسانی بر سایر وجوه توسعه روستایی، امری انکارناپذیر می‌باشد. زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای هستند، بلکه عامل پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز به شمار می‌آیند (سازمان خوار و بار کشاورزی جهانی، ۲۰۱۵). امروزه کمتر نوشته‌ای در ادبیات توسعه می‌توان یافت، که از مشارکت مردم بحنی به میان نیاورده باشد. از اوایل دهه ۱۹۷۰ و به ویژه در سال‌های اخیر رویکردهای مشارکتی به توسعه مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در حال حاضر در سطوح ملی و بین‌المللی روز به روز بیشتر درباره اهمیت مشارکت، هم به عنوان یک وسیله و هم به عنوان یکی از اهداف توسعه، اتفاق نظر دارند (Sardf, 2014: 32). این در حالی است که با وجود تأکید و اهمیت فزاینده‌ای که بر نهادینه سازی مشارکت شده است، این مفهوم هنوز یکی از مشکل‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوعات عصر ما در زمینه توسعه است، علی‌رغم این که هدف از مشارکت توانمندسازی افراد برای مشارکت خود جوش است اما برخی مطالعات نشان داده‌اند که اغلب از مردم خواسته می‌شود در فعالیت‌هایی شرکت کنند که چندان مورد علاقه آن‌ها نیست (Gedde, 2012: 6). زنان با توجه به نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند، می‌توانند به عنوان محور اصلی پیشرفت و توسعه محسوب شوند با توجه به واقعیت‌های ملموس جهانی متأسفانه زنان از موقعیتی نامطلوب در سطح بین‌المللی برخوردارند. بطور مثال تفاوت در سطح سیاست‌گذاری، سرمایه‌گذاری و دریافت حقوق برای کار مساوی پدیده‌ای جهان شمول است. میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی تأییدی بر عدم توجه کافی به امور زنان و ارزش افزوده آنان است، زیرا زنان روستایی در تمام مراحل تولید محصولات کشاورزی و تولیدات دامی و به طور کلی تمامی امور دوشادوش مردان به فعالیت می‌پردازند و اوقات اندک فراقتشان را نیز صرف تولید صنایع دستی مانند گلیم و قالی و غیره می‌کنند. بنابراین ایجاد زمینه‌های خود آگاهی هدایت توانایی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و برنامه‌ریزی جهت جلب

مشارکت آنان در فعالیتهای گوناگون الزامی است. در مناطق روستایی زنان نقشی به مراتب بیشتر از مردان در اقتصاد خانوار و فعالیتهای درون منزل به عهده دارند و موجب رونق اقتصادی جامعه هستند (بزی و رئیسی، ۱۳۹۱: ۱۲). اهمیت مشارکت زنان، بالاخص زنان روستایی در زمینههای مختلف بر کسی پوشیده نیست. زنان نیمی از نیروی انسانی را تشکیل می‌دهند. فعالیت زنان روستایی در زمینههای خانه‌داری، دامداری، زراعت و باغبانی دوشادوش مردان و حتی بیشتر از آنان می‌باشد، با وجود اهمیت فعالیت این قشر عظیم، زنان روستایی با محدودیت و تنگناهای زیادی مواجه‌اند. آن‌ها در دسترسی به زمین، اعتبارات و خدمات ترویج نسبت به مردان دارای مشکلات بیشتری هستند. دخالت‌های صورت گرفته در توسعه روستایی و بی‌توجهی به نقش مشارکت زنان در آن باعث دور ماندن و عدم موفقیت زنان در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه شده است (موحد و همکاران - ۱۳۹۲: ۲۶). با وجود تلاش جهانی برای گنجاندن زنان در جریان توسعه کشاورزی و روستایی، هنوز در بسیاری از کشورهای جهان ایفای نقش هر چه بیشتر زنان در فرآیند توسعه کشاورزی و روستایی با موانعی مواجه است. این موانع در مورد زنان سرپرست خانوار بسیار حائز اهمیت است. عدم دسترسی زنان روستایی به عوامل تولید شامل زمین، اعتبار و خدمات توسعه‌ای و ترویجی مربوط به کشاورزی از مهم‌ترین مسائل کلی موانع ایفای نقش زنان در توسعه کشاورزی به شمار می‌آید. از دیگر مشکلات زنان روستایی، عدم دسترسی آنان به خدمات مؤسسات مالی، به ویژه اعتبار است. تقریباً در بیشتر کشورهای جهان اعتبار براساس میزان زمین به کشاورزان پرداخت می‌شود. بنابراین زنان به دلیل عدم مالکیت زمین یا کوچکی اراضی از دریافت اعتبار مؤسسات رسمی محروم می‌شوند. در خانوارهای روستایی، زنان در انجام امور تولید از مردان فعال تر هستند اما قدرت نفوذ مردان در خانواده بسیار بالا است. بیش از ۹۶ درصد زنان روستایی حداقل از یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده برخوردارند، اما نوع و میزان فعالیت اقتصادی آنها تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی است (روستا و سعدالهی، ۱۳۹۵: ۶۶). زنان روستایی شهرستان کرمانشاه نیز از این قاعده مستثنی نیستند. به طوری که همواره از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برند. بخش مهمی از جامعه روستایی غرب کشور از جمله روستاهای منطقه کرمانشاه را زنان تشکیل داده‌اند. وجود این قشر مهم در جامعه روستایی خود به عنوان یک ظرفیت بالقوه شناخته می‌شود که به نسبت گذشته با توجه به تغییرات جهانی، نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی کمتر شده است. به عبارت دیگر در گذشته زنان این منطقه نقش مهمی در فعالیتهای کشاورزی و اقتصادی ایفاء می‌نموده‌اند اما به فراخور تغییرات مختلف، این نقش کمتر شده است. کاهش این نقش آفرینی می‌تواند تبعات مختلف داشته باشد. بنابراین با توجه به نقش مهم زنان در توسعه روستایی، وجود چنین ظرفیتی در روستاهای منطقه کرمانشاه و مهارت‌های مختلف مدیریتی و اقتصادی که آنها دارند، بایستی این قشر از جامعه روستایی مورد بررسی قرار گیرد و نقش آنها در جنبه‌های مختلف مشخص شود. بنابراین با توجه به موضوع توسعه، به نظر می‌رسد ضرورت آن وجود دارد که اثرات توسعه یافتگی بر جایگاه زنان روستایی بررسی شود و در حقیقت مشخص گردد که توسعه روستایی به اثراتی بر جایگاه زنان داشته است و آیا این توسعه یافتگی بر جایگاه زنان اثرات مثبتی داشته است یا اثرات منفی. از این رو هدف تحقیق حاضر بررسی اثرات توسعه یافتگی بر جایگاه و نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی به صورت موردی در روستاهای کرمانشاه بوده است.

۲- بنیان نظریه‌ای

امروزه توجه به زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، یکی از معیارهای مهم در ارزیابی موفقیت برنامه‌های توسعه در کشورها می‌باشد (محمودیان، ۱۳۹۲: ۱۹۳). تقریباً از اوایل دهه ی ۱۹۷۰ میلادی، موضوع مشارکت زنان در برنامه‌های توسعه به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه‌ای در سطوح ملی و بین‌المللی شد و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار داده و در راستای آگاه‌سازی و حساس‌سازی جوامع نسبت به اهمیت و جایگاه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان جامعه تلاش نموده‌اند (سروش‌مهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۶). این موضوع در مورد زنان روستایی به مراتب از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است؛ زیرا از یکسو زنان در جوامع روستایی اکثر کشورها تجربه متفاوتی از تبعیض و محرومیت را در مقایسه با زنان شهری داشته (Croll, 2015: 471) و از دیگر سو با اقدامات توسعه روستایی در طی دو دهه اخیر، ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی در این گروه به عرصه ظهور رسیده که عدم توجه به آنها، هدر رفتن منابع انسانی کشور را در پی خواهد داشت.

آن‌ بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی خود جایگاه یا پایگاه اجتماعی - اقتصادی را جایی می‌داند که هر کس در ساخت اجتماعی - اقتصادی اشغال می‌کند و نیز وضع یا اعتباری می‌داند که معاصران فرد به او به طور عینی در بطن جامعه ای که در آن زندگی می‌کند تفویض می‌دارند (بیرو، ۱۳۸۹: ۸۱). به اعتقاد برخی از اندیشمندان، متغیرهای اجتماعی - اقتصادی عبارتند از: سطح درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی خودخواسته، یا دیگرخواسته، وجهه شغلی، مالکیت خانه و اموال فیزیکی دیگری که می‌تواند بر مشارکت داوطلبانه افراد در فعالیت‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد (Reddy, 2015: 341).

در تعهدات بین‌المللی، از جمله دستور کار ۲۱، مواردی همچون شناخت نقش زنان، دسترسی و کنترل بر منابع، فقرزدایی از زنان با آموزش و کار، سازماندهی و قدرتمند کردن آنها به عنوان عوامل مؤثر در تحکیم جایگاه زنان بر شمرده شده است (WEDO, 2018: 31). زنان روستایی به مثابه مردان روستایی و در مجموع به مثابه دیگر اعضای جامعه بزرگ، عواملی مؤثر برای توسعه و عمران در جامعه می‌باشند و لذا می‌بایست سهم خود در تعیین سرنوشت و مشارکت برای اداره امور جامعه روستایی را ایفاء نمایند (انتظاریان و طهماسبی، ۱۳۹۷: ۸۱). اعضای مطلع، متفکر و خلاق و پیشرو همواره شهروندان مؤثر و مفیدی در هدایت فعالیت‌های اجتماعی هستند و حتی اگر در نظام تولید صنعتی شرکت نداشته باشند، باز هم در روند توسعه نقش اساسی ایفا می‌کنند و نقش مهمی در توسعه انسانی و تربیت نیروی کار آینده و ایجاد شرایط مناسب برای مردان را ایفا می‌کنند (هادیان و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۱). زنان و مردان هر دو در برنامه‌های توسعه روستایی نقش دارند، اما هر کدام بر اساس نوع فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند آگاهی‌ها و نیازهای متفاوتی دارند از آنجا که کلیه فعالیت‌های انسان برای تأمین نیازمندی - هایش انجام می‌گیرد و مهاجرت روستاییان به شهرها به جهت دستیابی به زندگی بهتر است، نگاه مثبت برنامه‌ریزان امر توسعه به مشارکت زنان روستایی، کمک شایانی به ارتقای زندگی و موقعیت اجتماعی خانواده روستایی خواهد بود و عاملی جهت کاهش شکاف میان خانواده شهری و روستایی می‌باشد (امیری، ۱۳۹۰: ۱۴). زنان با توجه به نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند، می‌توانند محور اصلی پیشرفت و توسعه محسوب شوند. زنان روستایی در تمام مراحل تولید محصولات کشاورزی و دامی، به فعالیت می‌پردازند، بنابراین ایجاد زمینه هدایت توانایی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان و برنامه ریزی جهت جلب

مشارکت آنان امری الزامی است (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۳). توسعه روستایی نیازمند برنامه‌ریزی است و در برنامه توسعه روستایی باید تمامی نیروهای فعال یک منطقه شرکت داشته باشند. بدیهی است بدون حضور زنان روستا، توسعه روستایی تحقق نمی‌یابد، بنابراین باید زمینه حضور آنان را فراهم کرد، لذا برای رسیدن به اهداف توسعه روستایی باید آموزش، ترویج و سازمان‌دهی زنان در اولویت قرار گیرد تا راهبردهای اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی با حضور زنان روستایی کامل شود (لاریجانی و شعبانی‌نژاد، ۱۳۹۶؛ قادرزاده و یوسف‌وند، ۱۳۹۴: ۹۴). اگرچه امکانات بالقوه هر جامعه برای رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی تا حد زیادی تابع منابع طبیعی است، اما اکثر اقتصاددانان توسعه معتقدند که آنچه باعث تسریع روند توسعه اقتصادی و اجتماعی یک جامعه می‌گردد، منابع انسانی آن جامعه است نه منابع طبیعی الزام مشارکت اقتصادی - اجتماعی مولد آگاهانه و داوطلبانه زنان در برنامه‌های توسعه در تاریخ تکامل و پیشرفت جوامع بشری همواره مطرح بوده است، لیکن هنوز در جوامع عقب‌نگه داشته شده و در حال توسعه، تعادل مطلوب و قابل قبولی در این امر و استفاده متعادل از فرصت‌های مشارکت و بروز خلاقیت و استعداد برقرار نشده است (یوسفی، ۱۳۹۴: ۳۶). برای آنکه زنان روستایی که نیروی عظیم انسانی هستند از حالت بالقوه به عامل بالفعل توسعه روستایی در آیند، نیاز به آموزش عمومی و فنی و حرفه‌ای زنان دارند، پس بهتر است یکی از سیاست‌های توسعه روستایی به گسترش امکانات آموزشی به این قشر تعلق گیرد و با توجه به اینکه در حال حاضر در اکثر مناطق روستایی کشور عرضه خدمات به زنان روستایی توسط مردان رایج نیست و در صورت عرضه نیز این خدمات از سوی زنان جذب نمی‌شود، لذا بهتر است خدمات توسط عوامل زن ارائه شود (حاتمی، ۱۳۸۹: ۱۸). در ادامه به برخی پژوهش‌های انجام شده مرتبط با تحقیق اشاره می‌شود.

جدول ۱- پیشینه مطالعاتی

پژوهشگر	شرح پژوهش
عمادی (۱۳۹۰)	در بررسی تسریع روند توسعه روستایی از طریق اولویت بخشی به زنان و تحول در پژوهش، بیان کرد، زنان در مقیاس جهانی، تولید کننده بیش از نیمی از مواد غذایی، مدیران اقتصاد خانوار و سامان دهندگان امر تغذیه و تربیت کودکان می‌باشند اما در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های توسعه و تحول، نادیده انگاشته می‌شوند. و وی علل عدم موفقیت بسیاری از برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه در مناطق روستایی را نادیده گرفتن نقش اساسی و تعیین کننده زنان روستایی می‌داند.
مرادی (۱۳۹۳)	در بررسی زنان در فرایند توسعه روستایی بیان داشت که؛ که با توجه به اینکه روستا یک مکان مناسب برای کشاورزی و فعالیت‌های جانبی وابسته به آن است می‌توان گفت که نقش زنان در روستاها بیشتر معطوف به این نکته بوده و در صورت توسعه بخش کشاورزی در روستاها و امکان نهادینه کردن زیر ساخت‌های مناسب می‌توان نگاه درستی به فرایند توسعه داشته باشیم.
پورطریق (۱۳۹۴)	با بررسی عوامل تأثیر گذار بر مشارکت زنان روستایی استان هرمزگان نتیجه گرفت که با افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های شورا و توجه بیشتر آنان را به رادیو و تلویزیون، از مشارکت آنان در فعالیت‌های دامداری کاسته و برعکس به مشارکت زنان در فعالیت‌های مربوط به صنایع روستایی افزوده می‌گردد.
ضیاء (۱۳۹۶)	به بررسی موانع مشارکت زنان روستایی شهرستان کرمانشاه در تشکل‌های اقتصادی، اجتماعی پرداخت، نشان داد که به ترتیب تصور فرد از پیامدهای مشارکت (عدم دفاع از منافع فردی و خانوادگی)، وجود فرزندان و عدم فرصت کافی برای مشارکت، بیسوادی یا کم سواد بودن زنان، پایین بودن سطح دانش و بینش همسران نسبت به مشارکت زنان

شرح پژوهش	پژوهشگر
روستایی، اطلاعات ناکافی یا نبود اطلاعات در مورد مشارکت، بیسوادی یا کم سواد همسران، ارزش نبودن مشارکت و عدم به فعلیت در آمدن استعدادها، از موانع مهم فردی و فرهنگی میزان مشارکت زنان روستایی محسوب می‌شود.	
در زمینه اثرات توسعه روستایی بر زنان بر این عقیده اند که پیشرفت تکنولوژی به ویژه کاربرد ماشین آلات در بخش کشاورزی هم دارای اثر مثبت است و هم منفی، که اثر منفی آن کاهش تقاضای نیروی کار زنان در بخش کشاورزی در اثر توسعه کاربرد ماشین آلات می‌باشد. از این رو زنان در مقابل تغییراتی که ممکن است درآمد آنها را کاهش دهد، هراس داشته و تا حد زیادی در مقابل این تغییرات، مقاومت می‌کنند. تاثیر گذاری این فرایند بر زنان فقیرتر بیشتر است و بعضی از مطالعات در آفریقا که درصد بیشتری از زنان فقیر را شامل می‌شود، این موضوع را تایید می‌کند	استیونز و جابارا (۲۰۰۹)
در کشور هندوستان انجام گرفته در این مطالعه محققان ابتدا دو منطقه توسعه یافته و توسعه نیافته را براساس شاخص‌های توسعه کشاورزی - اجتماعی و اقتصادی انتخاب کردند. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که در کشاورزی و دامپروری زنان در روستاهای توسعه نیافته، مشارکت بیشتری را نسبت به روستاهای توسعه یافته دارند اما در فعالیت‌های درون منزل میزان مشارکت زنان در این فعالیت‌ها بیشتر شده است و زنان زمان زیادی را صرف انجام این فعالیت‌ها می‌کنند.	کاتور وشارما ^۱ (۲۰۱۲)
به مطالعه در زمینه مشارکت محدود زنان در فرایند توسعه در مناطق روستایی و اثر سیاست‌های توسعه دولتی، ارزش-های فرهنگی و آموزشی را بر زنان روستایی بررسی کردند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اکثر زنان روستایی بی سواد و فاقد نگرش خودتکایی، نوآوری و خلاقیت هستند. زنان روستاهای حاشیه‌ای محرومند و در سیاست‌های دولت‌ها مد نظر قرار نمی‌گیرند. این امر نشان دهنده عدم وجود ساختار مناسب جهت ایجاد فرصت در این مناطق است.	کوئگولا و همکاران (۲۰۱۳)
در هند به روش پژوهش مشارکتی مبنی بر اصولی از فمینیست‌ها انجام گرفته که نشان می‌دهد توسعه کشاورزی سبب می‌شود که زنان جزء طبقه کارگر درآیند و آنها را مجبور به انجام کارهای دستمزدی در کشاورزی تجاری می‌کند و این مسئله منجر به کاهش کارایی زنان و پائین آمدن کیفیت زندگی آنها می‌شود.	سایکیایوره (۲۰۱۴)
این پژوهش در شش روستا انجام شده است. این تحقیق با تاکید بر نقش زنان در امنیت غذایی خانواده، به بررسی وضعیت دسترسی به منابع بر اساس جنسیت می‌پردازد و آموزش را ابزاری برای از میان بردن تبعیض جنسیتی می‌داند. فقدان دسترسی به دانش کشاورزی و سرمایه از عوامل محدود کننده برای زنان بودند	ایشن‌گما (۲۰۱۸)

در حالت کلی نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که اولاً بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی در جامعه با افزایش میزان مشارکت زنان ملازم است. ثانياً وجود تبعیضات سیاسی و بخصوص تفاوت‌های اجتماعی بین زن و مرد مانع جدی در افزایش مشارکت اقتصادی زنان است و افزایش مشارکت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زنان تابعی از عامل توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و همچنین رسیدن به یک جامعه برابر الزاما در بر دارنده رفع تبعیضات و موانع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

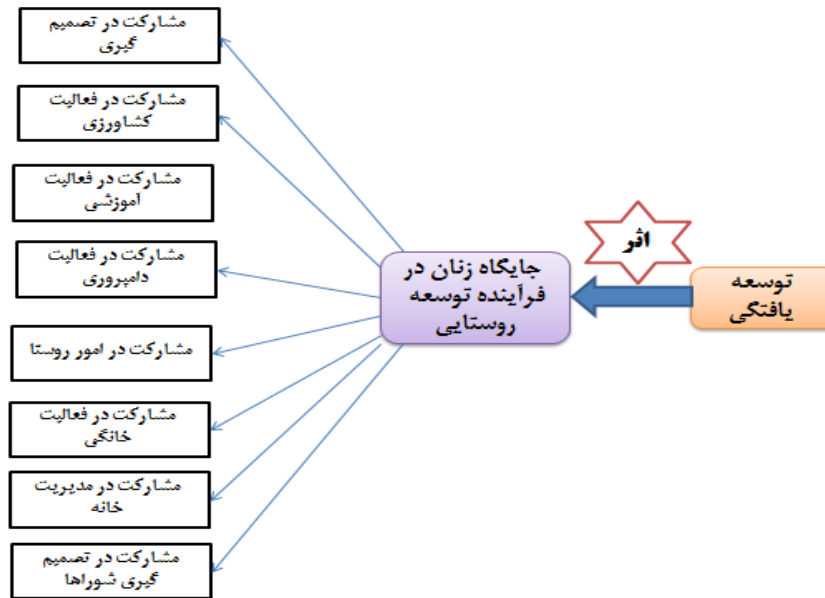
۳- روش، تکنیک‌ها و قلمرو

تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی و از منظر کنترل متغیرها نوعی تحقیق غیرآزمایشی است که به شیوه پیمایشی انجام شده است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. این روش به وسیله جدا کردن اعضای جامعه به گروه‌های مجزا به نام طبقات و سپس انتخاب یک نمونه تصادفی ساده از هر طبقه، قابل اجراست. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و از نوع متناسب، ابتدا ۴ دهستان از شهرستان کرمانشاه شامل چقا نرگس و عثمانوند به عنوان دهستان‌های توسعه نیافته (غیر برخوردار) و الهیارخانی و کوزران به عنوان دهستان‌های توسعه یافته (برخوردار)^۱ انتخاب و جمع‌آوری اطلاعات از ده روستای این دهستان‌ها به روش تصادفی ساده انجام شد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۸۲ نفر برآورد شده است. که با استفاده از روش انتصاب متناسب بین ده روستا تقسیم شده و سهمیه هر روستا از این تعداد با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده معین شد جامعه آماری این مطالعه را زنان روستایی شهرستان کرمانشاه، تشکیل می‌دهند، که تعداد آنها ۸۱۳۴۵ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های آماری آنالیز واریانس دو طرفه و آزمون‌های توصیفی استفاده خواهد شد و جهت اطمینان از نتایج بدست آمده از این روش، از آزمون T-Test استفاده می‌شود.

میزان توسعه‌یافتگی روستاها، متغیر مستقل تحقیق می‌باشد، این متغیر به معنای بهبود در شرایط بهداشتی، عمرانی، آموزشی و تکنولوژیکی روستاها می‌باشد و به وسیله شاخص‌های مختلفی سنجیده شده است. در این پژوهش، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کشاورزی (تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده‌ها)، مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی (باغی و زراعی)، مشارکت در فعالیت‌های دامپروری، مشارکت در انجام فعالیت‌های خانگی، مشارکت در مدیریت امور خانه، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شوراها، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و ترویجی، مشارکت در امور روستا به عنوان متغیرهای وابسته می‌باشند.

با توجه به مدل مفهومی زیر، متغیر مستقل تحقیق یعنی توسعه یافتگی بر متغیر وابسته یعنی جایگاه زنان در فرآیند توسعه تاثیرگذار است. این توسعه یافتگی روی متغیرها یا شاخص‌های مختلفی از جمله مشارکت زنان در تصمیم‌گیری امور روستا، مشارکت در تصمیم‌گیری شوراها، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی از جمله کشاورزی و دامپروری، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و ترویجی و غیره قابل مشاهده است. بنابراین مدل مفهومی تحقیق یک مدل اثرسنجی محسوب می‌شود.

^۱ برخوردار یا عدم برخوردار (توسعه یافته یا عدم توسعه یافته) دهستان‌ها از نظر وجود امکانات، کیفیت جاده‌های دسترسی، میزان فعالیت کشاورزی، تولید، دسترسی به آموزش و بهداشت و غیره مشخص شده است. این موضوع با توجه به گزارش‌های سند آمایش استان مشخص شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

۴- یافته‌ها و تحلیل داده

ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان شامل میزان تحصیلات، درآمد، وضعیت مالکیت و وضعیت تأهل در جدول زیر نشان داده شده است. با توجه به جدول (۲) نوع کسب و کار پاسخگویان اکثراً به شغل کشاورزی با (۳۸/۴۸) بوده است و در پایین‌ترین مرتبه شغلی، صنعتی با (۸/۳۷) را به خود اختصاص داده بودند. ۵۵/۲۵ درصد پاسخگویان را زنان متأهل تشکیل می‌داد. ۳۰/۶۲ درصد زنان پاسخگو سوادی در حد خواندن و نوشتن یا مشغول به تحصیل در کلاس‌های نهضت سود آموزی بودند، و در مرتبه دوم تحصیلی و سطح سواد، سواد در مقطع راهنمایی با ۲۸/۲۷ درصد بوده است. و در انتهای مشخصات عمومی پاسخگویان ۵۱/۱ درصد از پاسخگویان متعلق به روستاهای توسعه یافته در بین روستاهای نمونه بوده است.

جدول ۲- ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخگویان

درصد	فراوانی	نوع کسب و کار
۳۸/۴۸	۱۴۷	کشاورزی
۳۴/۰۳	۱۳۰	دامپروری
۸/۳۷	۳۲	صنعتی
۱۹/۱۰	۷۳	خدماتی
	فراوانی	وضعیت تأهل
۱۰/۹۹	۴۲	بیوه
۴/۹۷	۱۹	مطلقه
۵۵/۲۵	۲۱۱	متاهل
۲۸/۷۹	۱۱۰	مجرد

نوع کسب و کار	فراوانی	درصد
سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بیسواد	۱۰۲	۲۶/۷۰
خواندن و نوشتن	۱۱۷	۳۰/۶۲
راهنمایی	۱۰۸	۲۸/۲۷
دیپلم	۵۳	۱۳/۸۷
فوق دیپلم و بالاتر	۳	۹/۳۷
سطح روستاها	فراوانی	درصد
توسعه یافته	۱۸۷	۴۸/۹
توسعه نیافته	۱۹۵	۵۱/۱
جمع کل	۳۸۲	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده بر اساس سه متغیر سنجیده شده است. این سه متغیر شامل تصمیم‌گیری زنان در تنظیم و کنترل نهاده‌ها، تصمیم‌گیری زنان در تولید و بازاریابی محصولات و تصمیم‌گیری زنان در امور منزل می‌باشد. به منظور بررسی اثرات اصلی و اثرات متقابل توسعه و درآمد بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده از آزمون آماری آنالیز واریانس دو طرفه (Tow - way analysis of variance) استفاده شده است که یافته‌های آن در جدول (۳) آمده است. با اطمینان ۹۵ درصد بین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده و روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته، اختلاف معنی‌داری وجود ندارد، همچنین با اطمینان ۹۹ درصد بین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده و درآمد اختلاف معنی‌داری وجود دارد و تاثیر متقابل این دو عامل نیز در سطح ۵ درصد معنی‌داری، در مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده معنی‌دار نمی‌باشد.

میانگین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در روستاهای توسعه یافته ۴۸/۳۳ می‌باشد و در روستاهای توسعه نیافته ۵۰/۲۷ می‌باشد، پس؛ توسعه به تنهایی بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده اثر ندارد. و درآمد، بدون توجه به توسعه، بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده اثر دارد همچنین اثر متقابل دو عامل توسعه و درآمد بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده معنی‌دار نمی‌باشد.

در بررسی اثرات اصلی توسعه بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده یافته‌های موجود در جدول (۳) نشان می‌دهد که توسعه دارای تأثیر معنی‌داری در سطح ۵٪ بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده نمی‌باشد. به طوری که با مقایسه میانگین میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده در روستاهای توسعه یافته (۴۸/۳۳) و در روستاهای توسعه نیافته (۵۰/۲۷) می‌توان گفت تفاوت چندانی بین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده در روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته وجود ندارد؛ این بدان مفهوم است که در زمینه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در خانواده تفاوت چندانی وجود ندارد.

اما یافته‌های دیگر جدول در زمینه بررسی اثرات اصلی درآمد بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده نشان می‌دهد که درآمد در سطح ۱٪ تأثیر معنی‌داری را بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده دارد. این بدان مفهوم است که بین میانگین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در قشرهای مختلف درآمدی تفاوت وجود دارد و زنان قشرهای درآمد پایین، متوسط و بالا در روستاهای توسعه نیافته از قدرت تصمیم‌گیری بالایی برخوردارند. همچنین، در زمینه بررسی اثرات متقابل درآمد و توسعه بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده نشان می‌دهد که این دو متغیر به صورت متقابل نیز به مانند متغیر توسعه تأثیر معنی‌داری را در سطح ۵٪ بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده‌ها ندارد یعنی زنان قشرهای درآمدی بالا، متوسط و پایین از قدرت تصمیم‌گیری تقریباً یکسانی بین روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته برخوردار هستند و توسعه تأثیری را بر قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده ندارند. در نهایت می‌توان گفت مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده، فقط تحت تأثیر درآمد قرار دارد.

جدول ۳- آنالیز واریانس دو طرفه اثرات توسعه و درآمد بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده

اثر متغیرها	درجه آزادی	F	سطح معناداری (Sig)
اثرات توسعه	۱	۳/۲۵	۰/۰۷۲
اثرات درآمد	۲	۴/۸۷	۰/۰۰۸
اثرات متقابل توسعه و درآمد	۲	۰/۹۴۵	۰/۳۹۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

تأثیر متغیرهای توسعه و درآمد بر متغیر وابسته مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده‌ها بررسی شد. خلاصه نتایج نهایی تحلیل واریانس دو طرفه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم نهاده‌ها، در جدول (۴)، نشان داده شده است. میانگین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده‌ها در روستاهای توسعه یافته ۲۹/۶ با انحراف معیار ۱۵/۵۷ می‌باشد و در روستاهای توسعه نیافته این میانگین برابر با ۲۷/۱۶ با انحراف معیار ۱۴/۹۹ می‌باشد. یافته‌های جدول نشان داد که؛ توسعه به تنهایی بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده‌ها اثر ندارد و همچنین درآمد بدون توجه به توسعه، بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده‌ها اثر دارد. اثر متقابل دو عامل توسعه و درآمد بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده معنی‌دار نمی‌باشد.

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، این تحلیل برای متغیر مستقل توسعه با اطمینان ۹۵ درصد بین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده‌ها و توسعه اختلاف معنی‌دار وجود ندارد. همچنین با اطمینان ۹۹ درصد و در سطح معنی‌داری ۱٪ اختلاف معنی‌داری بین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های

خانواده در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده‌ها و درآمد وجود دارد و تأثیر متقابل این دو عامل نیز در سطح ۵٪ معنی داری، در مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده معنی دار نمی‌باشد.

جدول ۴- آنالیز دو طائرات اصلی و اثرات متقابل توسعه و درآمد بر مشارکت زنان در تولید و بازاریابی محصولات

کشاورزی و تنظیم نهاده‌ها

اثر متغیرها	درجه آزادی	F	سطح معناداری (Sig)
اثرات توسعه	۱	۰/۵۸۸	۰/۴۴
اثرات درآمد	۲	۴/۹۲	۰/۰۰۸
اثرات متقابل توسعه و درآمد	۲	۱/۸۹	۰/۱۵۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

تأثیر متغیر وابسته‌ی مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در مدیریت امور خانه بررسی شد. خلاصه نتایج تحلیل واریانس دو طرفه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در مدیریت امور خانه در جدول (۵)، نشان داده شده است. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، این تحلیل برای متغیر توسعه در سطح ۱٪ معنی دار است، اما برای متغیر گروه درآمد معنی دار نیست. تأثیر متقابل این دو عامل هم در سطح ۵٪ معنی دار نمی‌باشد.

میانگین مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در مدیریت امور خانه در روستاهای توسعه‌یافته در روستاهای توسعه‌یافته این میانگین برابر با ۱۸/۷۵ می‌باشد و در روستاهای توسعه نیافته برابر با ۲۳/۱ می‌باشد. نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد که؛ عامل توسعه به تنهایی بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در مدیریت امور خانه اثرگذار است. و عامل درآمد بدون توجه به توسعه، بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در مدیریت امور خانه اثر ندارد. و همچنین بین دو عامل توسعه و درآمد تعامل وجود ندارد. یعنی زنان قشر درآمدی بالا، متوسط و پایین از قدرت تصمیم‌گیری یکسانی در بین روستاهای توسعه‌یافته و توسعه نیافته برخوردار هستند و توسعه تأثیری را بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در مدیریت امور خانه، بین قشرهای مختلف درآمد ندارد.

جدول ۵- آنالیز دو طرفه و بررسی اثرات متقابل توسعه و درآمد بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده در مدیریت

امور خانه

اثر متغیرها	درجه آزادی	F	سطح معناداری (Sig)
اثرات توسعه	۱	۵۱/۴۷	۰/۰۰۰
اثرات درآمد	۲	۰/۱۳۳	۰/۸۷۵
اثرات متقابل توسعه و درآمد	۲	۱/۵۰	۰/۲۲۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی براساس میانگین مشارکت زنان در مراحل مختلف فعالیتهای کشاورزی، باغی و زراعی و دامی، مثل آماده کردن زمین، مرکزکشی (پرچین)، بذر یاشی، کودپاشی و سم پاشی، آبیاری، وجین، مبارزه با آفات و بیماریها، درو، انبار داری و درجه بندی، بازررسانی و فروش، غرس نهال و چیدن میوه، کمک به ایجاد واحد دامداری، نظافت اصطبل یا آغل، بردن دام به چرا، تغذیه با علوفه دستی، شیردوشی، حمل علوفه، بچه‌گیری و زایمان دام، تهیه فرآورده‌های دامی، فروش محصولات لبنی تهیه شده و انبار خوراک دام سنجیده شده است. به منظور بررسی اثرات اصلی و اثرات متقابل توسعه و درآمد بر میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی از آزمون آماری آنالیز واریانس دوطرفه استفاده شده است که یافته‌های آن در جدول (۶) آمده است.

میانگین مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی در روستاهای توسعه‌یافته ۳۳/۰۹ در روستاهای توسعه‌نیافته این میانگین برابر با ۳۹/۸ می‌باشد. نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که توسعه به تنهایی بر مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی اثر دارد. و درآمد، بدون توجه به توسعه، بر مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی اثر ندارد. همچنین اثر متقابل دو عامل توسعه و درآمد بر مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی اثر ندارد. یافته‌های موجود در جدول شماره (۶) در زمینه بررسی اثرات توسعه بر میزان بر مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی نشان می‌دهد که توسعه دارای تأثیر معنی‌داری در سطح ۵٪ بر میزان بر مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی می‌باشد به طوری که با مقایسه میانگین میزان بر مشارکت در فعالیتهای کشاورزی در روستاهای توسعه یافته ۳۳/۰۹ با روستاهای توسعه نیافته ۳۹/۸ می‌توان گفت توسعه دارای اثر کاهشی بر میزان بر مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی بوده و سبب کاهش میزان مشارکت آنها در فعالیتهای کشاورزی شده است. دلیل این مطلب را شاید بتوان عدم دسترسی زنان به تکنولوژی و جایگزین شدن تکنولوژی به جای نیروی زنان دانست.

اما یافته‌های جدول (۶) در زمینه بررسی اثرات درآمد بر میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی نشان می‌دهد که درآمد تأثیری بر میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی در سطح ۵٪ نداشته است. این مسئله بدان معنی است که میانگین میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی در قشرهای درآمد پایین، متوسط و بالا تقریباً یکسان می‌باشد و تفاوتی بین میزان مشارکت در میان قشرهای مختلف درآمد، وجود ندارد. همچنین یافته‌های دیگر در زمینه بررسی اثرات متقابل توسعه و درآمد بر میزان مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی نشان دهد که این دو متغیر نیز به صورت متقابل با هم تأثیر را مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی در سطح ۵ درصد ندارند و میزان مشارکت زنان قشرهای مختلف درآمدی بین روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته تقریباً یکسان می‌باشد. از آنجا که متغیر وابسته مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی از دو بخش مشارکت در فعالیتهای زراعی و باغی و مشارکت در فعالیتهای دامپروری تشکیل شده است، تأثیر توسعه و درآمد را بر هر یک از این متغیرها نیز بررسی می‌کنیم. زیرا در تحلیل وضعیت مشارکت شرکت کنندگان در فعالیتهای کشاورزی تفاوت عمده‌ای در مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف کشاورزی مشاهده شد.

جدول ۶- آنالیز دو طرفه و بررسی اثرات متقابل توسعه و درآمد بر مشارکت زنان در فعالیت های کشاور

اثر متغیرها	درجه آزادی	F	سطح معناداری (Sig)
اثرات توسعه	۱	۱۵/۵۷	۰/۰۰۰
اثرات درآمد	۲	۱/۶۹	۰/۱۸۵
اثرات متقابل توسعه و درآمد	۲	۰/۷۰۹	۰/۴۹۳

منبع: یافته های تحقیق، ۱۴۰۰

به منظور اطمینان از نتایج بدست آمده از طریق تحلیل واریانس دو طرفه، در خصوص اثرات توسعه بر مشارکت زنان، از آزمون مستقل T-TEST به منظور مقایسه میانگین بین روستاهای توسعه یافته و توسعه نیافته استفاده شده است، آزمون T مستقل زمانی مورد استفاده قرار می گیرد بخواهیم میانگین بین دو گروه از افراد را که از همدیگر متفاوت هستند و در گروه های A و B سازماندهی شده اند مقایسه می کنیم. در این روش سعی می گردد که تفاوت بین دو گروه مشخص شود. نتایج آن به صورت خلاصه در زیر آورده شده است.

همان گونه که آزمون تی نمونه مستقل نشان می دهد بین دو روستا (توسعه یافته و نیافته) و مشارکت در تصمیم گیری ها با اطمینان ۰/۹۵ درصد تفاوت معناداری وجود ندارد؛ چرا که سطح معناداری به دست آمده بیشتر از ۰/۰۵ و برابر با ۰/۲۴۹ بوده است. لذا تفاوت معناداری میان روستاهای توسعه یافته ها و توسعه نیافته از نظر اثرات توسعه بر مشارکت زنان وجود ندارد.

جدول ۷- نتایج آزمون t-test مشارکت زنان در تصمیم گیری ها

نام متغیر	نام آزمون	درجه آزادی (df)	مقدار آزمون (T)	سطح معناداری (Sig)
مشارکت زنان در تصمیم گیری ها	t-test	۳۷۰	-۱/۱۵	۰/۲۴۹

منبع: یافته های تحقیق، ۱۴۰۰

بر طبق جدول (۸) بین دو گروه روستا (توسعه یافته و نیافته) و مشارکت در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم نهاده ها در سطح معناداری ۰/۰۵ درصد تفاوت معناداری وجود ندارد. در حقیقت میان این دو نمونه روستا، از نظر شاخص یا متغیر ذکر شده تفاوت معناداری مشاهده نشده و شرایط یکسان است.

جدول ۸- نتایج آزمون t-test مشارکت در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم نهاده ها

نام متغیر	نام آزمون	درجه آزادی (df)	مقدار آزمون (T)	سطح معناداری (Sig)
مشارکت در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم نهاده ها	t-test	۳۷۰	۱/۵۲	۰/۱۲۸

منبع: یافته های تحقیق، ۱۴۰۰

بر طبق جدول (۹) بین دو روستا (توسعه یافته و نیافته) و مشارکت در مدیریت امور خانه با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح معناداری ۰/۰۱ درصد تفاوت منفی و معناداری وجود دارد. یعنی هر چه به سوی روستاهای توسعه نیافته می روییم میزان مشارکت زنان در مدیریت امور خانه بیشتر است.

جدول ۹- نتایج آزمون t-test مشارکت در مدیریت امور خانه

نام متغیر	نام آزمون	درجه آزادی (df)	مقدار آزمون (T)	سطح معناداری (Sig)
مشارکت در مدیریت امور خانه	t-test	۳۷۰	-۴/۰۷	۰/۰۰۹

منبع: یافته های تحقیق، ۱۴۰۰

نتیجه آزمون تی نمونه های مستقل نشان داد که بین دو گروه روستا (توسعه یافته و نیافته) و مشارکت در فعالیت های کشاورزی تفاوت منفی و اختلاف معناداری در سطح ۰/۱ درصد وجود ندارد و هر دو گروه شرایط یکسانی دارند.

جدول ۱۰- نتایج آزمون t-test مشارکت در فعالیت های کشاورزی

نام متغیر	نام آزمون	درجه آزادی (df)	مقدار آزمون (T)	سطح معناداری (Sig)
مشارکت در فعالیت های کشاورزی	t-test	۳۷۰	۳/۱۲	۰/۰۹۵

منبع: یافته های تحقیق، ۱۴۰۰

برای تعیین میزان نقش متغیرهای مستقل بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت های اقتصادی- اجتماعی از روش رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شده است و نتایج آن در جدول (۱۱) آمده است. نتایج نشان می دهد مدل رگرسیونی معنی اساس یافته های جدول ۹۴/۵ درصد از واریانس مشارکت زنان روستایی در فعالیت های اجتماعی- اقتصادی با شاخص های توسعه یافتگی (که در جدول ذکر شده) و ابعاد آن قابل پیش بینی است. نتایج و یافته های تحقیق بیانگر این مطلب است که اثرات توسعه یافتگی بر مشارکت محسوس و معنی دار است و در روستاهای بدون امکانات توسعه ای میزان مشارکت کمتر از روستاهایی است توسعه یافته تلقی می شوند.

جدول ۱۱- متغیرهای مستقل تأثیرگذار در پیش بینی و تبیین مشارکت زنان

ردیف	متغیر	Beta	B	R ²	درصد پیش بینی	T محاسبه شده	سطح معناداری
۱	امکانات ارتباطی و اطلاع رسانی (X ₁)	۰/۸۹	۰/۰۲	۰/۴۷	۴۷/۸	۸/۳۸	۰/۰۰۰
۲	خدمات اجتماعی- رفاهی (X ₂)	۰/۲۱	۰/۰۰۳	۰/۵۳	۵/۶	-۲/۶۶	۰/۰۱
۳	امکانات بهداشتی و درمانی (X ₃)	۰/۳۸	۰/۰۳	۰/۵۷	۳/۳	۳/۷۳	۰/۰۰۰
۴	سطح درآمد (X ₄)	۰/۲۱	۰/۰۲	۰/۶۱	۳/۷	۲/۵۱	۰/۰۱

ردیف	متغیر	Beta	B	R ²	درصد پیش بینی	T محاسبه شده	سطح معناداری
۵	امکانات تاسیساتی - زیربنایی (X5)	۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۶۴	۳	۲/۳۸	۰/۰۲
۶	سطح تسهیلات (X6)	۰/۳۶	۳/۱۵	۰/۱۹	۱۹/۲	۳/۰۹	۰/۰۰۳
۷	امکانات سیاسی - اداری (X7)	۰/۳۹	۰/۹۸	۰/۲۵	۶/۴	۳/۲۷	۰/۰۰۲
۸	تعداد خانوار (X8)	۰/۳۲۶	۱/۲۸	۰/۳۱۱	۵/۵	۲/۷۵	۰/۰۰۸

منبع: یافته های تحقیق، ۱۴۰۰

۵- بحث و فرجام

امروزه توسعه، تنها به معنای افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود تغذیه، و در یک کلام، رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی روستائیان تلقی نمی‌شود، بلکه توسعه یعنی بکارگیری تجربیات و اندوخته‌های مردم به منظور استفاده بهینه از منابع محلی و بارور ساختن آنها برای دستیابی به رفاه اجتماعی است. بنابراین مسیر توسعه، نه از کنار مردم، بلکه از درون مردم می‌گذرد و به مردم ختم می‌شود. در این میان نقش زنان روستایی، به عنوان اهرم‌های مهم و نیروهای پیش برنده اساسی جامعه روستایی، سال‌هاست که در توسعه، به عنوان موضوعی بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته، و توجه جدی جهانیان را به خود جلب کرده و زمینه‌های لازم را برای توجه هرچه بیشتر به مسائل زنان فراهم آورده است. ورود جریان توسعه به روستا تغییرات چندی را در فضای روستا و در ابعاد اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ایجاد نموده است. این تغییرات اگر چه به همراه خود درآمد بالا، رفاه اجتماعی و سطوح تحصیلی و بهداشتی بالاتری را به ارمغان می‌آورد، لیکن تأثیرات عمیق و بعضاً ناخوشایندی را در شرایط اقتصادی و به تبع آن شرایط اجتماعی آنان بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر زنان روستایی تابع سنت‌های رایج در فرهنگ‌های محلی هستند که تقسیم کار سنتی و اجباری را بر زنان تحمیل کرده است. توزیع نابرابر قدرت، منابع و مسئولیت‌ها بین زن و مرد به وسیله سنت‌های کهن نهادینه شده است.

میانگین مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی در روستاهای توسعه‌یافته ۳۳/۰۹ و در روستاهای توسعه‌نیافته این میانگین برابر با ۳۹/۸ می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که توسعه به تنهایی بر مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی اثر دارد. و درآمد، بدون توجه به توسعه، بر مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی اثر ندارد. همچنین اثر متقابل دو عامل توسعه و درآمد بر مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی اثر ندارد. در زمینه بررسی اثرات درآمد بر میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی نشان می‌دهد که درآمد تأثیری بر میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی در سطح ۵٪ نداشته است. این مسئله بدان معنی است که میانگین میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی در قشرهای درآمد پایین، متوسط و بالا تقریباً یکسان می‌باشد و تفاوتی بین میزان مشارکت در میان قشرهای مختلف درآمد، وجود ندارد. بین دو گروه روستا (توسعه یافته و نیافته) و مشارکت در مدیریت امور خانه با اطمینان ۰/۹۹ درصد و سطح معناداری ۰/۰۱ درصد تفاوت منفی و معناداری وجود دارد. یعنی هر چه به سوی روستاهای توسعه نیافته می‌رویم میزان مشارکت زنان در مدیریت امور خانه بیشتر است.

این تحقیق با تحقیقات دیگر از دو جنبه مهم تفاوت دارد. اولاً در تفاوت میان خرده فرهنگ‌ها و نوع جایگاه زنان در هر خرده فرهنگ و ثانیاً در این تحقیق روی متغیرهای ویژه از جمله جایگاه زنان در مدیریت امور خانه، جایگاه زنان در مدیریت

هزینه و درآمد و مواردی از این گونه تأکید کرده است. نتایج بخش مشارکت زنان در فرآینده توسعه روستایی با تحقیقات استیونز و جابارا (۲۰۰۹)، کائور و شمارما^۱ (۲۰۱۲) و پورطرق (۱۳۹۴) همسو و همپوشانی ندارد. در حقیقت بخشی از نتیجه تحقیق حاضر بر عدم نقش توسعه یافتگی بر ارتقاء مشارکت زنان در فعالیت‌ها و جنبه‌های مختلف توسعه روستایی اشاره داشته‌اند در حالی که تحقیقات ذکر شده نشان می‌دهند با توسعه روستا، فعالیت زنان در بخش کشاورزی و دامداری کمتر می‌شود و در حقیقت رغبت کمتری نشان می‌دهند. همچنین نتیجه تحقیق سایکیایوره (۲۰۱۴) که بر اهمیت مشارکت بر اساس اصول فمینیستی تأکید دارد با این بخش از تحقیق حاضر که بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های شورا و امور روستا اشاره دارد، همخوانی داشته و به نوعی به بهبود جایگاه زنان در نتیجه توسعه یافتگی تأکید می‌نماید. نتیجه مطالعات ایشن‌گما (۲۰۱۸)، عمادی (۱۳۹۰)، مرادی (۱۳۹۳) و ضیاء (۱۳۹۶) نیز بر نقش پایین زنان در مدیریت و امکانات خانه و نقش آنها در مدیریت هزینه‌ها و درآمدها تأکید دارند. آنها این موضوع را در نتیجه توسعه مکان‌های روستایی می‌دانند که چنین شرایطی را ایجاد نموده است. نتیجه تحقیق حاضر نیز بر کاهش جایگاه زنان در زمینه مدیریت خانه تأکید دارد و لذا تحقیقات ذکر شده، نتیجه این بخش از تحقیق حاضر را پوشش می‌دهند. به طور کلی به نظر می‌رسد که با توسعه روستایی، زنان نسبت به برخی فعالیت‌ها و امور از جمله مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی از جمله تصمیم‌گیری در شوراها و امور روستا رغبت نشان می‌دهند، اما نسبت به برخی فعالیت‌های دیگر از جمله مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی رغبت پایینی دارند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که:

- توسعه به تنهایی تأثیری بر مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌ها ندارد و درآمد به تنهایی دارای تأثیر معنی‌داری بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد، اما توسعه در تقابل و برهم‌کنشی با درآمد دارای تأثیر معنی‌داری بر مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌ها نمی‌باشد. اما این متغیر بیشتر تحت تأثیر درآمد قرار داشته به طوری که بالا رفتن درآمد خانوار منجر به کاهش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود.
- توسعه به تنهایی تأثیری بر مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده‌ها ندارد و درآمد دارای تأثیر معنی‌داری در مشارکت زنان در تصمیم‌گیری برای تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده دارد. اما این متغیر و در برهم‌کنشی با توسعه دارای تأثیر معنی‌داری بر مشارکت زنان برای تصمیم‌گیری در تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی و تنظیم و کنترل نهاده‌ها ندارد.
- توسعه منجر به افزایش مشارکت زنان در مدیریت امورخانه و سبب افزایش مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های خانه می‌شود. اما درآمد به تنهایی تأثیری بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده ندارد و همچنین توسعه و درآمد در تقابل و برهم‌کنشی با هم تأثیری بر مشارکت زنان در مدیریت امور خانه ندارد.
- توسعه به تنهایی سبب کاهش مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی می‌شود و درآمد به صورت مستقل تأثیری بر مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی ندارد، اما توسعه و درآمد به صورت تقابل و در برهم‌کنشی با هم تأثیری بر مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی ندارد. این متغیر بیشتر تحت تأثیر توسعه قرار خواهد گرفت که منجر به کاهش مشارکت زنان در فعالیت‌های کشاورزی می‌شود.

- توسعه به تنهایی تأثیری بر مشارکت زنان در فعالیت‌های باغی و زراعی ندارد و درآمد نیز به صورت مستقل تأثیری بر مشارکت زنان در فعالیت‌های باغی و زراعی ندارد. همچنین توسعه و درآمد در تقابل و برهم کنشی با هم تأثیری در مشارکت زنان در این زمینه ندارد.

در کشور ما مشکلات فرهنگی ریشه در تفکرات کلیشه‌ای و پایین بودن قدرت اقتصادی زنان روستایی دارد و دولت و سازمان‌های مردم نهاد باید سیاست‌هایی اتخاذ کنند که علاوه بر توجه به نقش زنان در تولید محصولات زراعی، دسترسی آنان را به منابع، اعتبارات مالی، فناوری، بازاریابی محصولات، آموزش و ترویج افزایش دهد.

۶- منابع

- امیری، زهرا. (۱۳۹۰). جایگاه زنان روستایی و موانع مشارکت آنها در فرایند توسعه، مجله نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی. سال ۶(۲۲): ۴۱-۵۶.
- انتظاریان، ناهید؛ طاهره طهماسبی. (۱۳۹۷). موانع و راهکارهای توسعه‌ی مشاغل خانگی در ایران، ماهنامه‌ی اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، ۱۲۷: ۷۸-۹۸.
- بزی، خدارحم؛ رئیسی، اسلام. (۱۳۹۱). ارزیابی جایگاه و نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی و کشاورزی ایران، همایش ملی توسعه روستایی، دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گیلان، جهاد دانشگاهی واحد استان گیلان، رشت.
- حاتمی، مجتبی. (۱۳۸۹). تحلیلی بر نقش زنان روستایی در توسعه روستا، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
- حجتی پور، محمد؛ کریمی پور، جواد. (۱۳۹۹). واکاوی موانع پایداری تولید روستایی در بخش مرکزی شهرستان بشرویه، روستا و توسعه پایدار فضا، ۱(۴): ۸۷-۱۰۵.
- روستا، کورش؛ سعدالهی، پوریا. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و عوامل موثر بر رشد آن (مطالعه موردی: استان کرمانشاه)، مجله پژوهش‌های اقتصاد روستا، ۳(۶): ۶۵-۷۶.
- رومیانی، احمد؛ محمودی، حمیده. (۱۳۹۹). تحلیل فضایی زیرساخت‌های توسعه پایدار در روستاهای شهرستان کوهدشت، روستا و توسعه پایدار فضا، ۱(۱): ۲۱-۳۸.
- سروش مهر، هما؛ رفیعی، حامد؛ کلاتتری، خلیل؛ شعبانعلی‌فمی، حسین. (۱۳۹۶). بررسی پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان)، مجله پژوهش‌های روستایی، ۱(۱): ۱۶۶-۱۴۳.
- فرضی زاده، زهرا؛ متوسلی، محمود؛ طالب. مهدی. (۱۳۹۳). بررسی جامعه شناختی، توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک، بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی، مجله توسعه محلی، ۵(۱): ۱-۴۰.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۴). مشارکت‌های سنتی زنان الگویی برای گسترش تعاونی‌ها، مجله زن روز، ۱۴: ۵۶-۴۷.
- قادرزاده، امید؛ یوسفوند، حجت‌الله. (۱۳۹۴). سنجش عوامل جامعه شناختی مؤثر در مشارکت مدنی زنان، مجله زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۴): ۱۰۱-۱۲۶.
- لاریجانی، نرگس؛ شعبانی‌نژاد، اسماعیل. (۱۳۹۶). بررسی نقش کسب و کارهای خانگی در توسعه اشتغال و کارآفرینی زنان. مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، سیویلیکا، شیراز.
- محمودیان، حسین. (۱۳۹۲). بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها. نامه‌ی علوم اجتماعی، ۱(۲۱): ۱۸۹-۲۱۸.
- موحد، حمید؛ لشکرآرا، فرها؛ کرکه آبادی، نیره. (۱۳۹۲). تحلیل جنسیتی و زنان روستایی، مجله علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد ترویج، کشاورزی و توسعه روستایی، ۲۶: ۳۴-۲۵.
- مهربانیان، الهه؛ مؤذنی، سعیده. (۱۳۹۳). نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی، مجله علمی، ترویجی جهاد ترویج، کشاورزی و توسعه روستایی، ۲۷: ۶۰-۴۸.

- یوسفی، شید. (۱۳۹۴). نقش زنان روستایی در تولید محصولات زراعی چغندر قند و گوجه فرنگی، مجله جهاد روستا، ۲۴(۴۴): ۳۶-۴۵.
- Croll, E.(2015).New peasant family forms in rural China, The Journal of Peasant Studies development, 14(4): 469-499
- Geddes, J. (2012). Tackling women's participation within community based natural resources management, Action for Social Advancement, 11(3):1-14.
- Reddy, R. (2015).Why do people participate in voluntary action?, Journal of Extension, 34(2): 336-349.
- Sardf(south African rural development framework)(2014). Rural development and women in South african, report":available on <http://cbdd.wsu.edu/kew/content/tr501>
- WEDO (Women,s Environment and Development Organization).(2018). Rural and Women. paper: available on www.wedo.org